

رؤیاهایی که می‌آیند

#### دنیای خطرناک زیبا

**ساسان گلفر**

●فیلم‌های ترسناک و علمی- تخیلی در اکران روز جمعه ۲۳ فوریه (چهارم اسفند) دست بالا را داشتند. اگر به فیلم‌های معرفی‌شده در این ستون، عنوان‌هایی مانند «درمان‌شدگان»، «۷ نگهبان مقبره»، «نیمه جادو»، «راهنمای نجات‌یافتگان به زندان» و «هر روز» را نیز بیفزاییم، وزن این زانر در اکران بین‌المللی این هفته بیشتر می‌شود.

**فنا**
**Annihilation**



لنا، زیست‌شناسی که پیش‌تر سرباز بوده، به مأموریتی می‌رود تا دریابد بر سر شوهرش چه آمده است و با پدیده‌ای رموز روبه‌رو می‌شود که در سواحل آمریکا گسترش می‌یابد. دنیایی از موجودات جهش‌یافته که او در آنجا کشف می‌کند، هم خطرناک و تهدیدگر زندگی است و هم زیباست. الکس کارلند، سازنده «ماشین ساق» و «۲۸ روز بعد» این فیلم علمی-تخیلی را رمان‌های سه‌گانه پرفروش جف واندر مایر اقتباس کرده است که ناتالی پورتمن، اسکار آیزاک و جنیفر جیسون لی از بازیگرانش هستند.

**شب‌بازی**
**GameNight**



جیسن بیتمن و ریچل مک آدامز در این کمدی نقش زوجی را دارند که به خیال خود وارد یک بازی دوستانه با معمای قتل‌ی ساختگی و جنایتکاران و پلیس‌های قلابی می‌شوند اما درمی‌یابند که بازیگران دیگر خیلی هم شوخی ندارند. این فیلم را ژان فرانسوا دالی و جاناتان کلدشتاین براساس فیلم‌نامه‌ای از مارک پیرز کارگردانی کرده‌اند. کایل چندلر، دنی هیوستن و جسی پلمونز از دیگر بازیگران این محصول نیولاین و برادران وارنر هستند.

**عملیات دریای سرخ**
**Operation RedSea**



در این فیلم محصول کشور چین، هنگامی که طرحی تروریستی برای به‌دست‌آوردن مواد هسته‌ای تحت پوشش یک کودتای مرگبار به اجرا درمی‌آید، تیم خلع سلاح جانولونگ نیروی دریایی چین، وارد عمل می‌شود و شهروندان چینی را در یمن نجات می‌دهد. این‌اکنش پرماجرای ۱۴۱دقیقه‌ای را دانته لام کارگردانی کرده است و بی‌ژانگ، جانی هوانگ و های کینگ از بازیگرانش هستند.

**جانور بارکش**

**BeastofBurden**



درام جنایی اکشن «جانور بارکش»، به کارگردانی جاسپر گانسلنت و با فیلم‌نامه آدام هولر به زندگی یک خلبان قاچاقچی مواد مخدر می‌پردازد که در آخرین مأموریت گذراندن محموله کوکائین از مرز ایالات متحده – مکزیک باید بین کارتل قاچاق مواد مخدر و معامله‌ای که با نیروهای پلیس داشته است، دست به انتخاب بزند و در این میان رابطه شکرآب‌شده با همسرش را بهبود بخشد. دنیل ردکلیف، کریس گامر و پابلو شراییر از بازیگران این فیلم ۸۹دقیقه‌ای هستند.

**انحنای**

**Curvature**



قهرمان داستان این فیلم دل‌پره‌آور علمی- تخیلی دانشمندی است که پس از دریافت یک تماس تلفنی از خودش که در آینده به سر می‌برد، مخفانه وارد یک تاسیسات مجرمانه اسرارآمیز می‌شود تا جلوی خودش را که قرار است در یک توطئه قتل شرکت کند، بگیرد. فیلم «انحنای» را دیه‌گو هالیوس کارگردانی کرده است و لیندا هاملتون و لیندسی فورسگاد در آن بازی می‌کنند.

**بهناز شهربانی:**

شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم برلین

برای فیلم‌های ایرانی حاضر در این رویداد هنری،

حال‌وهوای متفاوت‌تری داشت. سینمای ایران که

امسال با فیلم‌های «خوک»، «درساژ»، «هجوم» و

«هندی و هرمز» در بخش‌های مختلف جشنواره

حضور داشت، هرکدام با چند نمایش در این جشنواره

واکنش‌های مختلفی از مخاطبان خارجی فیلم‌ها

دریافت کردند، اما شاید پرحاشیه‌ترین بخش حضور

چهره‌های سینمای ایران در این جشنواره، نشست

رسانه‌ای فیلم «خوک» و صحبت‌های کارگردان و

بازیگرش در این مراسم بود.

مانی حقیقی، کارگردان «خوک»، در واکنش به

برخی سؤالات سیاسی در این نشست گفت: «شما

آزادید سؤالات سیاسی پرسید، اما ما یک اثر هنری

ساخته‌ایم و می‌خواهیم درباره چگونگی ساختنش

بحث کنیم و هنر فراتر از مرزها و یک زبان جهانی

است. دائم از من می‌پرسند اصلاح‌طلب و اصولگرا

درباره‌ات چه فکری می‌کنند، آیا سانسور شدید؟

سانسور نشدید؟ چگونه با سانسور تعامل می‌کنید؟

باشد. چندبار می‌خواهید بشنوید؟ بله در ایران سانسور

هست. بله، زندگی با آن مشکل است و ما داریم با آن

تعامل می‌کنیم، اما مسائل خیلی بیشتری برای بحث

هست، بگذارید من یک سؤال بکنم، چرا فکر می‌کنید

فیلم‌های ایرانی باید برای شما مثل یک راهنمای تور

ایران باشند؟ ما اینجا برای گفتن اینکه ما را کمک کنید

نیامده‌ایم! اینجا خسته‌کننده است. ما برای صحبت در

مورد یک اثر ایرانی اینجاایم».

لیلا حاتمی نیز در صحبت‌هایش در این نشست

خسری به مسائل سیاسی ایران اشاره کرد. او در

گفت‌وگو با یورونیوز درباره بازی در فیلم «خوک» نیز

گفت: «چیزی که در این فیلم دوست داشتم این بود

که می‌توانستم در آن خودم و همکارانم و حرفه‌ام

را مسخره کنم و دوست داشتم که به صاحبان دیگر حرف‌ها بگویم که می‌شود این‌کار را کرد و آن‌قدرها مهم نیست. تمام ما این نقایص را داریم، چراکه همه انسان هستیم و داشتن نقص عیب نیست». اما فیلم جدید حقیقی با واکنش‌های متفاوت منتقدان روبه‌رو شده است. هیئت داوران نشریه بریتانیایی اسکرین، متشکل از هفت منتقد بین‌المللی به «خوک» از چهار امتیاز ۱٫۸ داده است.

دیمتریوس متیو، منتقد اسکرین‌دیلی، نیز فیلم مانی حقیقی را اثری جسور و چالش‌برانگیز توصیف کرد و درباره آن نوشت: «مانی حقیقی دو سال پس از «اژدها وارد می‌شود»، بار دیگر با ترکیبی جسورانه و چالش‌برانگیز به رقابت در جشنواره برلین پا گذاشته است و البته مایه اندکی شگفتی است که چرا در آخر نام این فیلم علامت تعجب به چشم نمی‌خورد. فیلم

نگاهی به حواشی حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره فیلم برلین

## از حواشی فیلم «خوک» تا تحسین «درساژ»



عکس: Gettyimages

مانی حقیقی طنز اجتماعی است که چیزهای بسیاری برای لذت‌بردن به تماشاگر عرضه می‌کند و داستان آن حول محور کارگردانی خودشیفته روی می‌دهد که با نادیده‌گرفته‌شدن از سوی قاتل سریالی فیلم‌سازها که ظاهرا او را لایق کشته‌شدن نمی‌داند، حس تحقیر را تجربه می‌کند.

**تحسین نخستین فیلم پویا بادکوبه**

از سوی دیگر عوامل فیلم سینمایی «درساژ» نیز در این جشنواره حضور داشتند و نخستین نمایش فیلم در این رویداد هنری اتفاق افتاد. بادکوبه، کارگردان این فیلم سینمایی، درباره نمایش‌ها و واکنش مخاطبان به «شرق» گفت: «در زمان نمایش‌های فیلم واکنش‌های جالبی از مخاطبان گرفتم، نگران بودم که پیام از طریق زیرنویس‌ها به تماشاگر منتقل نشود، ولی در طول فیلم عکس‌العمل‌های جالبی از مردم دیدم؛ از خندیدن تا

### انتقاد مجیدی از شرایط اکران فیلم «آن سوی ابرها»



نسخه دوبله فیلم آن‌گونه که مدنظر من بود فراهم و آماده نشد و مورد پسند من نبود؛ بنابراین تصمیم به توقف اکران فیلم گرفتم». مجیدی با تشکر از حضور محمدرضا گلزار در اکران مردمی فیلم گفت: «معمولا برای فیلم‌ها حامی‌های مختلف مالی گرفته می‌شود، اما من تصمیم گرفتم از هنرمندان خوب کشور که مورد اقبال مردم هستند به‌عنوان حامی مردمی فیلم استفاده کنیم و وقتی من این مسئله را با محمدرضا گلزار در میان گذاشتم ایشان پذیرفتند و استقبال خوبی کردند و من از محمدرضا گلزار بسیار سپاسگزارم».

کارگردان فیلم «بید مجنون» با اشاره به اینکه «محمدرضا گلزار دو

سال پانزدهم • شماره ۳۰۹۳ • روزنامه

**دریچه**

**نگاهی به فیلم «خوک»**

**آخرین ساخته «مانی حقیقی»**

**«خ» مثل خوک**

**مجید موتقی**

● فیلم «خوک»، آخرین ساخته «مانی حقیقی»، اولین نمایش جهانی خود را این روزها در جشنواره برلین آغاز کرده است. «خوک» فیلم‌نامه آشفته و مبهمی مانند کار قبلی فیلم‌ساز؛ یعنی «اژدها وارد می‌شود» دارد! تنها جذابیت هر دو کار، فیلم‌برداری و فرم اجرایی کار است که در فیلم «اژدها وارد می‌شود» از تعلیق بهتری در ابتدای داستان برخوردار بود. این روزها به‌سختی می‌توان فیلم‌سازان مدرنی را در سینمای جهان پیدا کرد که تماشاگران را تا انتهای فیلم همراهی کنند! اغلب دنبال «سینمایی نیم‌پز» هستند تا شاید از این طریق لقب «فیلم‌ساز خاص»، آنها را نسبت‌به بقیه متمایز کند. «پیتر اشتاین»، کارگردان شهیر و مدرن آلمانی، چندی پیش در یک سخنرانی اعتراض خود را این‌گونه بیان کرد که «فراموش‌کردن مخاطب را از ارتباط با اولین روزها-یا دیگر به یک عادت تبدیل

شده است!» این «فراموشی یا بیکار خودشیفتگی»، آفتی است که کارگردانان زیادی را امروز تبدیل به جریان‌های نوینی در جهان تئاتر با سینما کرده است که اغلب در حال پوشش‌دادن ضعف نوشتن خود با عناوینی مانند «ابزود یا عیث‌نمایی» هستند. اکثر آنها آثار «بکت، یونسکو و آربابل» را تا کنایتخانه دارند یا در حال ترجمه‌کردن آنها هستند! فیلم‌هایی می‌سازند که از ریتم و پوشش ظاهری خوبی در قریب مخاطب برخوردارند، اما از لحاظ محتوایی چیزی برای گفتن ندارند! اکثر این هنرمندان باسواد و مدعی در کار خود هستند و بازی با کلمات را خوب می‌دانند، اما همین دانش زیادشان مانع بزرگی برای ارتباط برقرارکردن با مخاطبان بومی خویش شده است؛ شاید گذشت زمان این استعداد و قریحه خاص آنها را نشان دهد. فیلم «خوک» نه مشکلی در فضاسازی دارد و نه در کارگردانی، اتفاقا عکس‌العمل تماشاگران نسبت

به موقعیت‌های طنز فیلم، خوب شکل گرفته و در نمایش اول فیلم در جشنواره برلین‌س مورد توجه نیز قرار گرفته است! مانی حقیقی از قدرت سازماندهی خوبی در فیلم‌های خود برخوردار است، اما آنچه که فیلم آخر او را نجسب کرده، انتخاب همین نام «خوک» است که خیلی «دهن‌پرکن و مخاطب‌پسند است»، اما این نام چه ربطی به ستیز شخصیت‌هایی دارد که شیفته سینما هستند و تک‌تک توسط یک قاتل در حال کشته‌شدن‌اند! درواقع مخاطب با «جدول حل‌نشدنی»ای مواجه می‌شود که واژه «خوک» در ستون‌های آن پیدا نمی‌شود پس باین‌حساب اگر در نظام خطی داستان فیلم، قاتل روی پشانی مقتولان نام گرگ را با جاقو حک می‌کرد، این فیلم باید «گرگ» نامیده می‌شد؟ مفهوم و نام کلی «خوک» همان عنصری است که در فیلم آن‌سوی کارگردان فقط چیده شده است و به عمق نمی‌رود و در انتها مخاطب را با داستان قوام‌نیافته‌ای مانند کار قبلی فیلم‌ساز مواجه می‌کند که به‌راحتی فراموش می‌شود و با او سالن بیرون نمی‌رود! تماشاچیان کمی می‌خندند و در انتها درکی از واژه خوک پیدا نمی‌کنند! اگر منظور کارگردان، شکل‌گیری همین ابرها و نارسایی بود، می‌توانست نام فیلم را تنها حرف خالی «خ» بگذارد که شاید می‌توانست فیلم خاص‌تری قلمداد شود.

**ادامه از صفحه ۹**

**ما و آسیب‌های بادی فلسفی**

در اینجا اشتراک لفظی سبب شده خسروپناه پوزیتیویسم منطقی را به اشتباه با پوزیتیویسم آگوست کنت خلط کند.
اولی ربطی به معناوربودن گزاره‌های دینی دارد و دومی نه.
نقد پوزیتیویسم آگوست کنت هیچ ربطی به نظریه تحقق‌پذیری و کاربرد آن در گزاره‌های دینی ندارد.
وانگهی، نیازمندی علم به فلسفه – که آموزه‌ای است به غایت مشکوک – از سوی چه کسی پذیرفته شده است؟ چرا باید برای ما مهم باشد که کسی آن را پذیرفته کسی، و اصلا چه ربطی به نقد پوزیتیویسم دارد؟
اشکالات اشاره‌شده تنها مشتی است نمونه خروار.
حاصلی ندارد که بخوایم در این خروار بکامیم و اشتباه و بی‌دقتی‌های متعدد خسروپناه را تذکر دهیم.
این کار اولاً وظیفه مجله علمی- پژوهشی‌ای بود که مقاله را پذیرفته است.
طبعاً اگر فرایند داور به درستی طی می‌شد چنین مقاله‌ای نباید در مجله منتشر می‌شد که حالا ما بخوایم اشتباهاتش را برشماریم.
اینکه چرا مقالات در چنین سطحی به سادگی جای خود را در نشریات علمی پژوهشی ما می‌یابند و پایه ارتقا و ترفیع استادان می‌شود خود حکایت غم‌انگیز دیگری است.
مسکن است گفتند شود که مشکل خسروپناه، یعنی ندانستن و ندیق‌نقد در فلسفه معاصر و درعین‌حال بی‌پروا و ساده‌انگارانه سخن‌گفتن درباره آن تنها مختص به او نیست و مثال‌های فراوان دیگری از این دست در جامعه فلسفی ایران می‌توان سراغ گرفت.
باین‌حال، به گمانم خسروپناه در همین جنبه هم بی‌پروایی عریان فلسفی او که در انبوه‌نویسی و مطرح‌کردن ادعاهای عجیب و غریب درباره اهمیت خود و نظریاتش آشکار می‌شود به همراه نقش مؤثر او در سیاست‌گذاری فلسفی سبب می‌شود تا فکر کنیم خسروپناه نه تنها معلول که هم علتی است از برای ناکامی فلسفی، ما

**در اکران خیریه «اسرافیل» برای آزادی ۳ زن زندانی مطرح شد:**

### سینما یعنی ناصر ملک‌مطیعی

چنین اکران‌های خیریه‌ای را ادامه دهند که بسیار قابل تقدیر و تشکر است. هرکسی در این راه قدمی بردارد، هر چقدر هم کوچک باشد، محترم است. سعید سهیلی، از دیگر حاضران مراسم، درباره ناصر ملک‌مطیعی گفت: «۲۰ سال قبل در فیلم «غوغا» دیالوگی برای شخصیتی که شهرام حقیقت‌دوست بازی می‌کرد، نوشتم که می‌گفت: سینما یعنی بهروز، ناصر و... که فردین جای خودش را دارد».

او اضافه کرد: «در صفحه شخصی‌ام نوشتم ناصر یعنی امیر، ناصر یعنی کبیر، ناصر ملک‌مطیعی امیرکبیر سینمای ایران است و بعد از اتفاقات تلخ صداسوسیما نوشتن این مشکل از اشکالات فنی است. قابت تلویزیون برای قامت این مرد بزرگ، کوچک است». در ادامه مراسم اکران خیریه فیلم سینمایی «اسرافیل» به مناسبت تولد ۳۰سالگی ساعد سهیلی، یک‌یک برای او آورده و جشن تولدی در میان مردم برای او گرفته شد که با غافلگیری این بازیگر حضور همراه بود.

سپس پژمان باغی، بازیگر «اسرافیل»، ضمن تبریک تولد ساعد سهیلی، گفت: «ما در کنار کسی مانند آقای ناصر ملک‌مطیعی درس پس می‌دهیم. اگر فیلم ما را ببینند و ببینند، افتخاری است ما می‌کرده‌اند. صد افسوس که فردین را زود از دست دادیم و گذشت را ندانستیم». او در پایانه دقتش در عواید حاصل از فروش امشب فیلم «اسرافیل» به آزادی سه زن که جراتم غیرعمد دارند، اختصاص خواهد یافت و این انتخاب به دلیل حضور کارگردان زن فیلم آیدا پناهنده، تهیه‌کننده زن فیلم مستانه مهاجر و قصه فیلم که به مسائل زنان می‌پردازد، صورت گرفته است».